

حقوق اقلیت‌های دینی در اسناد حقوق بشر
علی فروزنده^۱ - طیبه عارف نیا^{۲*} - عباس سماواتی^۳
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۲۸ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۳۰

چکیده:

یکی از مهمترین موضوعات جامعه بین‌الملل، حقوق اقلیت‌ها و دغدغه‌های مهم در عدالت حقوقی، حقوق اقلیت‌ها است. همچنین یکی از ارزش‌های مهم در حقوق بین‌الملل، بردباری مذهبی و امکان زندگی مسالمت آمیز پیروان ادیان مختلف و اقلیت‌ها در قلمرو یک جامعه است. هدف از این پژوهش بررسی حقوق اقلیت‌های دینی در اسناد حقوق بشر است. روش پژوهش در این مقاله تحلیلی و توصیفی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای است. نتایج نشان دهنده این است که اسناد بین‌المللی حقوق بشر اعم از اسناد جهانی و منطقه‌ای، تعریف شفاف و جامع و مانعی از حق آزادی دین ارائه داده‌اند. در واقع با توجه به نظرهای کمیته حقوق بشر و آرای دیوان اروپایی حقوق بشر می‌توان گفت که افراد حق تغییر دین دارند و تبلیغ دینی نیز جزئی از حق آموزش دینی است.

واژگان کلیدی: اقلیت دینی، اسناد حقوق بشر، حقوق اقلیت‌ها، حقوق بشر



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

JPIR-2105-1879

۱- دکتری فقه و مبانی حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد یادگار امام خمینی^(ه) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲- استادیار گروه فقه و مبانی حقوق، واحد یادگار امام خمینی^(ه) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران: نویسنده مسئول
t.arefnid@yi.iau.ir

۳- استادیار گروه فقه و مبانی حقوق، واحد یادگار امام خمینی^(ه) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

اندیشه حمایت از حقوق بشر از دیرباز برای مبارزه با ظلم و بی‌عدالتی، مورد توجه بوده است، با این هدف که حداقل حقوق برای افراد جامعه تامین شود. بنابراین، قدمت حقوق بشر به درازای تاریخ است، یعنی از هنگامی که فرد یا افرادی، ظالمانه، حقوق دیگران را نادیده انگاشتند و از هنگامی که صاحبان قدرت بر دیگران چیره شدند و خودسری پیشه کردند، پیکار برای حقوق بشر آغاز شده است. در هر جا مبارزه‌ای برای حقوق بشر آغاز شده، سیر تاریخ دگرگون شده و باز چندی بعد، با غفلت یا بداندیشی صاحبان قدرت شرایطی به وجود آمده که مبارزه‌ای دیگر برای احیای حقوق از دست رفته بشری را ایجاب کرده است. از این‌رو تاریخ همواره عرصه رقابت دو نیروی متقابل، یعنی صاحبان حقوق و ظالمان بوده است. بی‌جهت نیست که در این دوران، حقوق بشر و تلاش برای حفظ و توسعه آن، کانون توجه پژوهشگران شده است، هرچند صاحبان قدرت در نظام بین‌الملل آن را به گونه‌ای در راستای منافع خویش قرار داده‌اند.

سابقه حقوق بشر در اسلام از نظر پیدایش قوانین و دستوراتی که مربوط به حقوق انسانها می‌باشد به زمان شکل‌گیری و پیدایش اسلام بر می‌گردد، از این جهت اسلام حقوق بشر را مبحث جدیدی نمی‌داند و آن را به ۱۴ قرن پیش از این به پیامبر اسلام نسبت می‌دهد. اسلام در حدود ۱۴ قرن پیش مفاهیم وسیع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی درباره حقوق بشر را مطرح و موازنه‌ای میان مصالح فردی و نگهداری از حقوق اساسی وی و مصالح گروهی در جرمه و مجازات برقرار کرد. اصل اساسی در حقوق بشر از دیدگاه اسلام کرامت انسان می‌باشد. اسلام حقوق انسانها را نیز براساس خیر و مصلحت ترسیم کرده است.

در روم باستان نیز، حقوق طبیعی به عنوان بخشی از حقوق رومی، در اندیشه کسانی چون سیسرو حقوقدان و متفکر امپراتوری روم مطرح شده است. سیسرو حق طبیعی را موهبتی خدایی و لغو ناپذیر می‌شمرد. اما سیسرو نیز برده‌داری را امری اجتناب ناپذیر می‌دانست و خود بردگانی در خدمت داشت. این فلسفه رواقی بود که تصور یونانی - رومی باستان از انسان را دگرگون ساخت. رواقیون همه انسانها را صرف نظر از "تعلق جنسی و جایگاه اجتماعی و صرفاً" بر پایه‌ی طبیعتشان آزاد و برابر می‌دانستند. اپیکتت متفکر رواقی روم که خود زمانی برده بود، گفته بود: «همه انسانها برادرند، چرا که خدا پدر مشترک همه‌ی آنان است.

در حقوق بین‌الملل مقرراتی برای حفظ حقوق اقلیتها دیده شده، ولی علاوه بر ناقص بودن، متأسفانه در مرحله اجرا نیز غالباً با اجرای ناقص، سوگیرانه و سلیقه‌ای و نیز تفاسیر نادرست

¹-Cicero

²-Epiktet

همراه بوده و ضمانت اجرای کافی برای احقاق حقوق این گروه‌ها در سطح جامعه بین‌الملل وجود ندارد. کما اینکه در کشورهایی نظیر فلسطین، عربستان سعودی، بحرین، بوسنی و هرزگوین، میانمار، کشمیر، یمن، افغانستان، عربستان و... شاهد فجیع‌ترین جنایات و حتی نسل‌کشی مسلمانان و شیعیان بوده و هستیم و مجامع بین‌المللی نخواستند و یا نتوانسته‌اند کوچکترین گامی برای دفع ظلم و تبعیض در این کشورها بردارند. علی‌رغم این فاصله بسیار، متأسفانه دشمنان اسلام همواره این دین کامل و پیروان آن را به خشونت متهم کرده و می‌کنند و به بهانه حمایت از حقوق بشر و اهداف انسان دوستانه، اقدام به جنایات سنگینی بر علیه مسلمانان می‌کنند. با مقایسه قوانین اسلام و قوانین بین‌المللی در می‌یابیم که احترام اسلام به حقوق انسانها، برخلاف حقوق بشر مورد ادعای غرب، واقعی، عمیق و فراگیر می‌باشد.

یکی از عهدنامه‌های معروف پاریس حمایت از اقلیت‌ها، صراحتاً تبعیض نژادی و مذهبی را منع نموده است. پس از جنگ جهانی دوم و تشکیل سازمان ملل متحد در اسناد بین‌المللی حقوق بشر با اینکه عهدنامه خاصی به اقلیت‌ها اختصاص داده نشده ولی با درج اصل عدم تبعیض و منشور ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر و دیگر اسناد حقوق بشری در واقع اقلیت‌های دینی، قومی، زبانی تحت حمایت حقوق بین‌الملل قرار گرفتند و امروز کمتر کشوری یافت می‌شود که به صراحت حقوق اقلیت‌ها را نادیده بگیرد و یا منکر شود، هر چند در عمل به فجیعترین شکل این حقوق را نقض نماید.

یکی از ارزش‌های مهم در حقوق بین‌الملل، بردباری مذهبی و امکان زندگی مسالمت آمیز پیروان ادیان مختلف و اقلیت‌ها در قلمرو یک جامعه است. هرچند در حقوق بین‌الملل مقرراتی برای حفظ حقوق اقلیت‌ها دیده شده، ولی علاوه بر ناقص بودن، متأسفانه در مرحله اجرا نیز غالباً با اجرای ناقص، سوگیرانه و سلیقه‌ای و نیز تفاسیر نادرست همراه بوده و ضمانت اجرای کافی برای احقاق حقوق این گروه‌ها در سطح جامعه بین‌الملل وجود ندارد. بدین منظور در این پژوهش علاوه بر بررسی مفهوم اقلیت دینی و حقوق بشر، به بررسی نهادهای ملی حقوق بشر، خصیصه‌های الزام-آور بودن حقوق بین‌الملل، مجریان قوانین بین‌المللی در زمینه حقوق بشر، اعلامیه جهانی حقوق بشر و اعلامیه‌های جهانی شورای اروپا و اجلاس کویت پرداخته شده است.

واژه شناسی

برای ورود به بحث مورد نظر به مفهوم چند واژه پرکاربرد در این نوشتار پرداخته می‌شود:

۱- اقلیت دینی

اقلیت از واژه‌های تعریف نشده مبهم و بحث برانگیز در حقوق بین‌الملل است ابهام‌ها و چالش

¹-Minority

های زیادی در ارائه تعریف از اقلیت وجود دارد، این ابهام به گونه‌ای است که به رغم پیشرفت‌های بین‌المللی در زمینه حمایت از اقلیت‌ها و برقراری نظام حقوقی خاص برای آنها هنوز تعریف جامع و مانعی از کلمه اقلیت که در هر بستر علمی قابل استناد باشد ارائه نشده است.

اقلیت در لغت به معنی اندک بودن، کم بودن، قسمت کمتر و مقابل اکثریت آمده است. (هوشیار، ۱۳۹۳) در اصطلاح اقلیت عبارتست از: گروهی که در حاکمیت شرکت نداشته و از نظر تعداد کمتر از بقیه جمعیت کشور هستند و اعضای آن در حالی که تبعه آن کشور هستند ویژگی‌های متفاوت قومی، مذهبی و یا زمانی با سایر جمعیت کشور را دارند و دارای نوعی وحدت منافع و همبستگی در جهت حفظ فرهنگ آداب و رسوم، مذهب و یا زبان هستند.

در ادبیات حقوقی اقلیت به اجتماعی از شهروندان اطلاق می‌شود که به واسطه داشتن ویژگی یا ویژگی‌هایی، از گروه اکثریت متمایز باشند. معمولاً گروه اقلیت در مقایسه با موقعیت خود در کشور محل سکونت تعریف می‌شود، ولی ممکن است در یک منطقه بسیار بزرگ مانند یک قاره و یا منطقه کوچک مانند یک استان نیز شناسایی شود.

پاتریک ترنبری (کاپورتی فرانچسکو) اقلیت را این طور تعریف کرده است: «اقلیت عبارتست از گروهی که در حاکمیت شرکت نداشته و از نظر تعداد کمتر از بقیه باشد و اعضای آن در عین حالی که تبعه آن کشور هستند، ویژگی‌های متفاوت قومی مذهبی و یا زبانی با سایر جمعیت کشور را دارند». (شمشادی، ۱۳۹۷)

لوئیس ورث اقلیت را چنین تعریف می‌کند: «گروهی از افرادی هستند که به سبب برخی از ویژگی‌های جسمانی و یا فرهنگ خود با برخورداری متمایز و متفاوت با دیگر اعضای جامعه که در آن زندگی می‌کنند، روبرو می‌شوند». (سیف الدینی، ۱۳۹۳)

لوئیس ورث جامعه شناس آمریکایی معتقد است هر گروهی که در جامعه زندگی می‌کند و به خاطر مشخصات فیزیکی و یا فرهنگی ویژه، مواجه با رفتاری نامناسب و متفاوت با دیگر افراد جامعه شوند و در نتیجه خود را موضوع یک تبعیض جمعی بدانند، اقلیت به حساب می‌آیند.

تعریف دشنه حقوقدان بین‌الملل از اقلیت: گروهی از شهروندان یک کشور هستند که به لحاظ عددی بخشی از جمعیت یک کشور را تشکیل می‌دهند و در حاکمیت کشور شرکت ندادند و دارای خصوصیات قومی مذهبی یا زبانی از راه اراده جمعی برای بقاء نشأت می‌گیرد و هدف آنها دستیابی به مساوات و برابری حقیقی با اکثریت مردم است.

اقلیت، واژه‌ای است که هیچ‌گاه به تنهایی مورد استفاده قرار نمی‌گیرد و همواره با پسوندی همراه است مثل قومی، مذهبی، زبانی و... امروزه مسئله شناسایی و رعایت حقوق گروه‌هایی همچون مهاجرین و پناهندگان و بومیان و نظایر آن از مباحث وابسته به حقوق اقلیت‌ها به

مراد از اقلیت‌های دینی مجموعه افرادی هستند که پیرو دینی جزء دین و یا ادیان مورد قبول اکثر جامعه هستند. این اقلیت‌ها از قدیمی‌ترین انواع اقلیت‌ها شناخته و مورد حمایت قرار گرفته شده توسط دولت‌ها می‌باشد. جنگ‌های صلیبی به عنوان یکی از عوامل مهم در برخورد ادیان، سبب سکونت اقلیت مسلمانان در کشورهای مسیحی و اقلیت مسیحی در کشورهای مسلمان گردید. این اقلیت‌ها خواستار به رسمیت شناخته شدن به عنوان یک گروه مذهبی‌اند. (شریعتی، ۱۳۸۵)

۲- تاریخچه حقوق بشر

حقوق بشر حقوقی است که خداوند به انسان از آن جهت که انسان است و فارغ از رنگ، نژاد، زبان، ملیت، جغرافیا، اوضاع و احوال متغیر اجتماعی یا میزان قابلیت و صلاحیت ممتاز و فردی او اعطا کرده است. تاریخ پیدایش حقوق بشر به تاریخ حیات بشری بر می‌گردد. نخستین اعلامیه جهانی حقوق بشر در زمان ایران باستان یعنی زمان کوروش کبیر به زمانی بر می‌گردد کوروش کبیر در قرن پنجم قبل از میلاد پس از فتح بابل منشوری صادر کرد که بسیار قابل توجه است. او در این منشور برخی از حقوق و آزادی‌ها از جمله آزادی عقیده و ایمان را به مردم آن دیار عطا نمود. در عصر و زمانی که قشون‌های فاتح هیچ‌گونه احساس رحم و شفقتی نسبت به ملت‌های مغلوب نداشتند و اغلب آنها را به قتل می‌رساندند. کوروش فرمان داد «به مردم شهر بابل آزادی نرسد، همه مردم در پرستش خدای خود آزاد باشند و بی‌دینان تحت فشار قرار نگیرند و خانه‌های آنان را که خراب شده بود از نو ساخت و معابد آنان را باز کرد، خدایان معابد را به جای خود بازگردانید.» این منشور در زمان حیات کوروش به سه زبان «پارسی» و «ایلامی» و «بابلی» بر روی استوانه‌ای گل پخته نقش گردید و لوحه‌ی که به زبان بابلی است پس از جنگ بین‌المللی اول به وسیله باستان‌شناسان انگلیسی در محل قدیمی شهر بابل کشف شد و اکنون در موزه بریتانیا موجود است.

حقوق بشر اساسی‌ترین و ابتدایی‌ترین حقوقی است که هر فرد به طور ذاتی، فطری به صرف انسان بودن از آن بهره‌مند می‌شود. این تعریف ساده بازتاب اجتماعی و سیاسی مهمی را برای مردم و حکومت‌ها به دنبال دارد. (سلیمی، ۱۳۹۵) حقوق بشر متعلق به ملت و فرهنگ و کشور خاصی نیست بلکه میراث مشترک همه انسان‌هاست و مبتنی بر کرامت انسانی برابری و آزادی است و به انسان، بدون هیچ تفاوت و تمایزی از لحاظ نژاد، جنس، فرهنگ و عقیده و طبقه می‌نگرد و هدف آن دفاع از کرامت انسانی، آزادی، برابری و زندگی مسالمت آمیز است. مقصود حقوق بشر نه به معنای حقوقی است که افراد بشر دارند، بلکه به معنای آن حقوقی

است که انسان‌ها به دلیل اینکه انسان هستند، از آن برخوردارند؛ یعنی برخورداری از آن حقوق، صرف انسان بودن کافی است. فارغ از شرایط مختلف اجتماعی و نیز سطح استحقاق آنها، اما تعیین آنها به وسیله افراد یا دولت‌ها، ارتباط وثیقی با نگرش‌ها و رویکردهای آنان از بشر دارد. (حسینی، ۱۳۸۱)

ویژگی‌های حقوق بشر طبق اعلامیه جهانی: (۱) جهان شمول هستند (۲) غیرقابل سلب هستند (۳) تبعیض ناپذیرند (۴) برابرند (۵) انتقال ناپذیر، تفکیک ناپذیر، برابر طلبی، به هم پیوستگی. از این رو تمام افراد در هر جای از جهان که تعلق دارند از این حقوق برخوردارند و نمی‌توان هیچکس را محروم ساخت و همه افراد فارغ از نژاد، ملت، جنسیت، مذهب، رنگ و زبان بدون هیچگونه تعارضی از این حقوق برخوردار می‌گردند. بدون محدودیت و محرومیت، این حقوق قابل نقض نیستند. طبق ماده ۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر تمام انبای بشر آزاد به دنیا می‌آیند و از این لحاظ منزلت و حقوق با هم برابرند و به آن‌ها، موهبت عقل و وجدان عطاء شده است و باید نسبت به یکدیگر روحیه برادری داشته باشند.

۳- نهادهای ملی حقوق بشر

نهاد ملی حقوق بشر یک سازمان غیر دولتی نیست که از گروه افراد خصوصی تشکیل شده باشد، بلکه نهاد ملی در واقع در راستای وظیفه دولت‌ها در انجام وظایف حقوق بشری آنها تشکیل می‌شود و در حقیقت منعکس کننده فعالیت‌های دولتی در زمینه حقوق بشر است. فکر تاسیس این نوع نهاد از سوی دولت‌ها به سال ۱۹۴۶ که اولین بار مسئله حقوق بشر مطرح شد، می‌رسد.

انواع مختلف نهادهای ملی: ۱- کمیسیون حقوق بشر ۲- بازرس حقوق بشر. (سلیمی، ۱۳۹۵)

- کمیسیون ملی حقوق بشر

در بیشتر کشورها نهادهای ملی تحت عنوان کمیسیون حقوق بشر به منظور اطمینان از اجرای موثر قوانین و مقررات مربوط به حقوق بشر تشکیل شده‌اند. وظایف این کمیسیون در درجه اول حمایت از اتباع کشور، علیه تبعیض و نیز حمایت از حقوق مدنی و حقوق بشری آنهاست. از دیگر وظایف این کمیسیون آموزش حقوق بشر و آگاهی دادن به مردم همچنین بررسی سیاست حقوق بشری و قوانین و مقررات و رویه‌های مربوط به آن حقوق است.

- بازرس حقوق بشر

در برخی از کشورها شکل دیگری از نهاد ملی برای رسیدگی شکایات مربوط به نقض حقوق بشر وجود دارد که معمولاً به وسیله پارلمان تعیین می‌شود و طبق مقررات قانون اساسی یا قانون عادی خاصی انجام وظیفه می‌کند.

این نهاد ممکن است از یک فرد یا گروه تشکیل شود وظیفه اصلی آن حمایت از حقوق افرادی است که معتقدند قربانی بی عدالتی دستگاه‌های دولتی شدند. در واقع، این نهاد به عنوان یک واسطه بی طرف بین فرد ستم‌دیده و دولت محسوب می‌شود. این نهادها کارشان به این شکل است که شکایت افراد عادی را دریافت کرده و آنها در حدود و صلاحیت خود مورد بررسی قرار دهند.

این نهاد به (أمبودزن) موسوم است که می‌تواند آن را به نوعی نظیر کمیسیون اصل ۹۰ قانون اساسی ایران دانست یا از آن به کمیته حقوق بشر مجلس تعبیر کرد.

منشا تاریخی بازرسی حقوق بشر نخستین بار در سوئد سال ۱۷۶۶ بود و فردی برای مأموریت به عنوان تحقیق و بازرس منصوب شد. بعداً در کشورهای اسکانندیناوی، فنلاند، دانمارک، نروژ، انگلستان این نهاد ایجاد گردید.

نکته: شیوه طرح شکایت به این نهاد پارلمانی حقوق بشر طبق قوانین کشورهای مختلف متفاوت است مثلاً در برخی از کشورها شاکی می‌تواند مستقیماً به این نهاد دسترسی پیدا کند و طرح شکایت نماید و در برخی از کشورها شکایت باید از طریق یک واسطه مثلاً به وسیله یک نماینده مجلس مطرح شود..

۴- خصیصه‌های الزام آور بودن حقوق بین‌الملل

- مبنای الزام آور بودن حقوق بین‌الملل

حقوق بین‌الملل به دسته‌هایی از قواعد و هنجارها اطلاق می‌شود که به عنوان الزامات اعضای جامعه بین‌المللی و به صورت مقرراتی لازم الاجرا و تعهد آور به رسمیت شناخته می‌شوند. (پورهاشمی، ۱۳۸۰)

- رعایت تعهدات بین‌المللی توسط دولت‌ها

تعهدات دولت‌ها در قبال حقوق بشر بر سه دسته‌اند:

الف) تعهد به احترام: دولت‌ها در تعهد به احترام موظفند از دخالت در بهره‌مندی افراد از حق‌های بشری خودداری نمایند.

ب) تعهد به حمایت: در تعهد به حمایت دولت‌ها باید از نقض حقوق بشر افراد توسط اشخاص ثالث جلوگیری کنند.

ج) تعهد به اجرا: تعهد به اجرا دولت‌ها را ملزم می‌سازد اقدامات و تمهیدات مقتضی، تقنینی، اداری بودجه‌ای، قضایی و از این دست را برای شناسایی و به رسمیت شناختن کامل حقوق بشر اشخاص اتخاذ نمایند.

طبق رای دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی (رای ۱۷ اوت ۱۹۲۳) در قضیه ویمبلدون پذیرش تعهدات بین‌المللی را، می‌توان از خصوصیات حاکمیت دولت‌ها و یکی از مهم‌ترین فروض الزامی بودن قواعد بین‌المللی تلقی کرد اصل لزوم وفای به عهد به عنوان قاعده اساسی و محور اصلی حقوق معاهدات است به نحوی که نقض هرگونه تعهدات ناشی از معاهدات موجب مسئولیت دولت نقض کننده می‌گردد. (پورهاشمی، ۱۳۸۰)

۵- ضمانت اجرای مقررات بین‌المللی مربوط به حقوق بشر

مسئولیت بین‌المللی، ناشی از فعل یا ترک فعلی است که منتهی به نقض یک تعهد یا تکلیف بین‌المللی می‌شود و قابل انتساب به یک دولت می‌باشد. تعهد جبران هرگونه نقض نسب به اجرای حقوق در قواعد حقوقی وجود داشته و خود یک نوع ضمانت اجرا تلقی می‌شود. در حقوق بین‌الملل، جبران خسارت از جمله موثرترین ضمانت اجرایی در رعایت قواعد و تعهدات بین‌المللی محسوب می‌گردد. (تیمورپور، ۱۳۹۷)

- وجود سیستم نظارت بین‌المللی

پس از جنگ جهانی اول، به تدریج و به منظور اعمال نظارت بر اجرای مقررات بین‌المللی و رعایت احترام حقوق بین‌الملل و بررسی انطباق رفتار کشورهای عضو معاهدات و تشخیص این مطلب که دولت‌ها تا چه میزان از تعهدات لازم الاجرا پیروی می‌کنی، یک مکانیزم اعمال کنترل بین‌المللی ایجاد گردید.

۶- مجری قوانین مربوط به حقوق بشر در نظام بین‌الملل

سازمان ملل دارای ارکان شش گانه است:

- ۱- مجمع عمومی که تمام کشورها در آن نماینده دارند که سالی یک مرتبه به طور رسمی جلسه دارند.
- ۲- شورای امنیت مرکب از یازده عضو که پنج عضو آن دائمی (شوروی، آمریکا، انگلیس، چین ملی و فرانسه) و شش عضو آن غیر دائمی از طرف مجمع عمومی به مدت دو سال انتخاب می‌شوند که مسئولیت اصلی صلح و امنیت بین‌المللی به عهده این شورا است.
- ۳- شورای اقتصادی و اجتماعی دارای ۱۸ عضو است وظیفه اصلی آن در سراسر دنیا کشور-های مختلف را در اصلاح و ترقی شرایط کار و زندگی کمک کند و در پیشرفت فرهنگ و امور اجتماعی جهان کوشش می‌نماید.
- ۴- شورای قیمومت که وظیفه آن کوشش برای سعادت و بهبودی وضع مردم در سرزمین‌های غیر مستقلی است که زندگی می‌کنند.
- ۵- دیوان دادگستری بین‌المللی دارای ۱۵ نفر قاضی از میان حقوقدانان عالی مقام کشورهای

مختلف وظیفه اصلی آنان رسیدگی به دعاوی و اختلافات بین‌المللی است.

۶- دبیرخانه سازمان مرکب از دبیرکل، عالیترین کارمند سازمان ملل و کارمندان سازمان ملل است.

این سازمان به جزء ارکان شش گانه دارای سازمان‌های دیگری از جمله: سازمان بین‌المللی کار، سازمان خوار بار و کشاورزی، سازمان فرهنگی علمی و تربیتی، صندوق بین‌المللی پول، سازمان جهانی بهداشت، سازمان بازرگانی بین‌المللی، سازمان بین‌المللی ترمیم و توسعه و... بوده که منظور و هدف اصلی آنها وحدت میان ملل جهان، رفع نفاق و جنگ و برخوردار نمودن تمام افراد بشر از یک زندگی مسالمت آمیز است. (مهرپرور، ۱۳۸۷)

جامعه بین‌المللی، از نظر حقوقی بر جامعه‌ای از دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی اطلاق می‌گردد که از نظر ساختاری بر دو اصل بنیادین، وجود کشورهای دارای حاکمیت مستقل و تساوی دولت‌ها به عنوان بنیاد همبستگی ملل متحد مبتنی است. این جامعه روابط خود را براساس یک رشته از مقررات قراردادی الزام آور مدیریت می‌نماید.

بر خلاف حقوق داخلی، که دارای ماهیتی تبعیتی و امرانه است و در آن رابطه دولت به عنوان قدرت عالی با مردم بر پایه تبعیت مردم قرار دارد، در حقوق بین‌الملل، به علت این که قدرتی مافوق قدرت دولت، وجود ندارد، این خود دولت‌ها هستند که در ضمن اینکه تابعان حقوق بین‌الملل محسوب می‌شوند، واضعان و ناظران آن نیز شمرده می‌شوند.

دولت‌های مدعی برابری حقوقی، روابط خود را بر اساس قرارداد شکل داده و تنظیم می‌نمایند. جوهر وجودی حقوق بین‌الملل، التزام دولت‌ها به همکاری با یکدیگر است. در غیر این صورت نمی‌توان دولت‌ها را از نظر حقوقی به قواعدی متعهد ساخت که خود با رضای کامل آنها را نپذیرفته باشند. به این دلیل، رضایت دولت‌ها از مبانی حقوق بین‌الملل است تشابه وضعی دولت‌ها و اشتراک منافع آنها باعث می‌شود تا دولت‌ها قواعد حقوق بین‌الملل را از روی وظیفه و در راستای همکاری در جامعه بین‌المللی به اجرا در آورند.

حقوق بشر مورد نظر در اعلامیه مبتنی بر جهان بینی غربی است لذا ناسازگاری حقوق بشر غربی با مبانی اندیشه اسلامی را شاهد هستیم زیرا حقوق بشر غربی بر این باور است که هیچ مرجعی به جز عقل بشری برای داوری در باب ادعاهای اخلاقی وجود ندارد و منشا اعتبار و مفهوم این حقوق صرفاً انسانی است و نمی‌توان آن را فراتر از شخص انسان گسترش داد در ماده اول اعلامیه جهانی بدون اشاره به پروردگار متعال می‌گوید (همه انسان‌ها آزاد به دنیا می‌آیند و اینکه انسان مخلوق خداست و در برابر او وظایفی دارد یا نه ساکت و بی تفاوت است) اما نگرش اسلامی ضمن احترام به حقوق فردی و حفظ منافع آن هدف قانون را حفظ منافع جامعه

می‌داند. در اندیشه اسلامی حقوق بشر موهبتی است الهی و مقتضای حکمت الهی و هدف آفرینش که باید در جهت خواست خدای متعال و متناسب با هدف خلقت باشد. (مهرپرور، ۱۳۸۶)

حقوق بشر غربی به کرامت ذاتی بشر بسنده کرده و از کرامت ارزشی غفلت نموده است. در اسلام دو نوع کرامت برای انسان لحاظ شده، ذاتی و اکتسابی. چرا که در واقع در برخورد با غیر همکیشان در هر دین و آئینی، کرامت ذاتی است که حقوقی را برای انسان در مرحله ذات و خلقتش ثابت می‌کند. از دیدگاه اسلام کرامت ارزشی برای نیل به موقعیت‌های شایسته زندگی اجتماعی ضروری است، بنابراین منشا بسیاری از تفاوت‌ها در ماهیت و مصادیق حقوق بشر از دیدگاه اسلام و غرب اختلاف جهانبینی و تفاوت انسان شناسی است.

ارزش واقعی هر نظام حقوقی بستگی به کارایی ساز و کار اجرایی آن دارد. برخورداری از ضعف‌های ساختاری، نارسا بودن قواعد موضوعه و کثرت و تنوع مسائل جدید و رای موضوعات سنتی از ضمانت اجرای کافی و مقابله با نقض معیارهای بین‌المللی به طور موثر برخوردار نشده است. علی‌رغم فقدان ضمان اجرای مناسب، قواعد حاکم بر جامعه بین‌المللی لازم‌الاجرا هستند و کاربرد آنها بر رفتار دولت‌ها تاثیر می‌گذارد و دولت‌ها نیز در عمل حقوق بین‌الملل را رعایت می‌کنند. زیرا، لازمه وجودی یک جامعه بین‌المللی و شرط دوام و قوام آن رعایت حقوق بین‌الملل در حد گسترده است. روندی که به اقتضای ماهیت متغیر روابط بین‌المللی و ساختار متحول نظام بین‌المللی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر می‌باشد. به منظور درک دقیق حقوق بین‌الملل به عنوان بازتاب جامعه جهانی و تضمین رعایت مقرر آن باید این رشته را صرفاً در بطن جامعه بین‌المللی مورد مطالعه علمی قرار داد. عناصر نو ظهور در عرصه بین‌المللی از قبیل وجود سلاح‌های کشتار جمعی و آلودگی‌های فرامرزی زیست محیطی، آلودگی جو، قاچاق مواد مخدر، حفظ و حراست از حقوق بشر، تروریسم و جرایم سازمان یافته دولت‌ها را ناگزیر به همکاری در جهت منافع مشترک تشویق نموده است. ظهور مفاهیم جدید و عوامل فراملی، با در نوردیدن مرزها قداست استقلال ملی دولت‌ها را با چالش‌های بسیار جدی مواجه ساخته است این تحولات تا اندازه زیادی موجب افزایش وابستگی‌های متقابل دولت‌ها به یکدیگر شده است. وابستگی‌های متقابل مادی و معنوی دولت‌ها، موجب تمایل جامعه کشورها به آگاهی از منافع و ارزش‌های مشترک گردید و همبستگی بین‌المللی را در ایده جامعه بین‌المللی دولت‌ها شکل داده است.

ضرورت‌های زندگی بین‌المللی دولت‌ها را به اجرای قوانین بین‌المللی در روابط بین خود متعهد ساخته است. همکاری فیمابین دولت‌ها، با هدف صلح و نظم بخشیدن به روابط بین‌المللی از طریق حل مسایل اقتصادی و اجتماعی مانع از آن است که دولت‌ها به جنگ متوسل شوند. کنش متقابل و مستمر اعضای جامعه بین‌المللی و الزامات برخاسته از نیاز متقابل، ضامن اجرای اصول و

قواعد حقوق بین‌الملل است.

حقوق بشر هنوز در تصویب آسان است ولی در تنفیذ دشوار جریان پر زور کنفرانس‌ها و کنوانسیون‌های بین‌المللی علیه نسل‌کشی، برده‌داری، استفاده از شکنجه‌های نژادپرستی و حفاظت از زنان و کودکان و اقلیت‌ها نشان می‌دهد که حقوق بشر همچنان نیازمند نجات است. ریشه ناکامی قانونگذاران حقوق بشر در انحرافات فکری و مکاتب غیر دینی است که برخی از کاستی‌های آن عبارتند از:

(۱) گسستن از فطرت که قانونگذاران حقوق بین‌الملل تنها به طبیعت بشر نظر کرده‌اند چرا که خطوط اصلی روابط حقوقی بر اساس فطرت سه گونه است:

(الف) حق بهره‌وری معتدل و سازمان یافته از مزایا و نعمت‌های جهان.

(ب) وظیفه عدم تجاوز به حقوق دیگران.

(ج) وظیفه پاسداری از حقوق دیگران، که قانونگذار بین‌الملل به دو خط اول کم و بیش توجه کرده لیکن به خط سوم غافل بوده و سخنی به میان نیاورده است.

(۲) غفلت از رابطه انسان و جهان آفرینش.

(۳) غفلت از رابطه انسان با خدا.

خلاصه: قواعد یک نظام حقوقی، که غیردینی و حتی گاه ضددینی است، از شایستگی، قابلیت و توانایی حمایت مناسب و متناسب از خصایص و هویت اقلیت‌های مذهبی که پیوندی ناگسستنی با مذهب و مظاهر آن دارد برخوردار نیست. اما دولت اسلامی و مسلمانان بر پایه باورهای دینی و به عنوان وظیفه شرعی، خود را مکلف به ایفای حقوق ذمی‌ها می‌دانند و این موثرترین ضمانت اجرا برای رعایت حقوق اقلیت‌هاست.

این در حالی است که حقوق بین‌الملل به ویژه قواعد حقوق بشری آن با چالش جدی ضمانت اجرا مواجه است علاوه بر اینکه از آسیب‌هایی مانند رویکردهای سیاسی، ابزاری و برخورد های دوگانه نیز رنج می‌برد. از آنجا که نظام بین‌المللی حقوق بشر امروزه مدعی است که از آحاد بشر به نحو یکسان حمایت می‌کند، اصولاً گروه‌های اقلیت را کمتر مورد توجه قرار می‌دهد؛ حال آن شرایط خاص گروه‌های اقلیت و آسیب پذیری افراد متعلق به آنها در اغلب جوامع بشری واقعیتی انکارناپذیر است. (عزیزی، ۱۳۹۶)

اما، نظام حقوقی اسلام در صورت اجرای کامل و مناسب از سوی کشورهای اسلامی و جوامع دینی ضمن اصل قرارداد برابری انسان‌ها در برخورداری از مواهب زندگی به بهترین وجه ممکن قادر است به رفع نیازمندی‌ها و تحقق استحقاقات اشخاص متعلق به اقلیت‌های مذهبی بپردازد.

(مهرپرور، ۱۳۸۶)

۷- اعلامیه جهانی حقوق بشر

شامل یک مقدمه و سی ماده است:

مقدمه: دلایل تاریخی و اجتماعی را که منجر به نیاز برای نوشتن یک اعلامیه بود، مطرح می‌کند.

مواد ۱ و ۲ پایه اصلی مفاهیم کرامت، آزادی، برابری و برادری را بنا می‌کنند.
مواد ۳ تا ۵ به حقوق فردی دیگر مانند حق زندگی و منع برده‌داری می‌پردازند.
مواد ۶ تا ۱۱ به اساس قانونی حقوق بشر با تمهیداتی برای دفاع در زمان نقض قوانین، اشاره می‌کنند.

مواد ۱۲ تا ۱۷ به حقوق فردی در جامعه می‌پردازند (از جمله مواردی مانند حق آزادی حرکت).
مواد ۱۸ تا ۲۱ به آزادی‌های سیاسی، عمومی و روانی از جمله آزادی اندیشه، نظر، دین، وجدان، حرف و آزادی انجمن می‌پردازند.

مواد ۲۲ تا ۲۷ بر حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی افراد از جمله حق سلامتی تأکید می‌کنند.

مواد ۲۸ تا ۳۰ نیز بر روش استفاده از قوانین اعلام شده و همچنین مواردی که قابل اجرا نیستند، می‌پردازند.

این اعلامیه بر حقوق افراد در جامعه تأکید دارد و اعلام می‌دارد که نباید از این مواد به گونه‌ای استفاده شود که با اهداف ملل متحد در تضاد باشد.

نظام بین‌المللی حقوق بشر یک پدیده‌ای است که بعد از جنگ جهانی دوم شکل گرفت. جنایات و فجایع وحشتناک ضد بشری در دوران جنگ جهانی دوم به خصوص دوران هیتلر جمعی از حقوقدانان و افراد آگاه را بر این باور قرار داد که اگر یک نظام محکم و موثر حمایت از حقوق بشر در جامعه ملل وجود داشت احتمال این را داشت که شاید این همه خون به ناحق ریخته نمیشد و یا جنگی شکل نمی‌گرفت لذا در همان اواسط دوران جنگ جهانی دوم مسئله تأکید و توجه به مسائل اساسی حقوق بشر مطرح گردید. (آشوری، ۱۳۸۳)

در اوایل سال ۱۹۴۱ (روزولت) رئیس جمهور وقت آمریکا در سخنرانی معروف خود موسوم به چهار آزادی همگان را بر ایجاد جهانی مبتنی بر چهار آزادی فرا خواند که آن چهار آزادی عبارت بود از: آزادی بیان، آزادی مذهب (یعنی هرکس آزاد است خدا را هرگونه می‌خواهد بپرستد). آزادی از فقر و احتیاج، آزادی از ترس. در نتیجه ملت‌هایی که علیه دولت محور یعنی (آلمان و متحدانش) می‌جنگیدند اثری ماندگار در تشویق و تهییج آنها به جای گذاشت که منجر به تاسیس سازمان ملل و تدوین منشور آن شد.

در پایان جنگ جهانی دوم در ژوئن ۱۹۴۵ کنفرانس سانفرانسیسکو آمریکا جهت تشکیل سازمان ملل ایجاد گردید که در پایان کنفرانس به تاریخ ۲۶ ژوئن ۱۹۴۵ منشور سازمان ملل که بر مبنای آن سازمان ملل ایجاد شده بود به امضاء رسید. فاتحان جنگ که دارای قدرت‌های بزرگ جهانی بودند خود با مشکل حقوق بشری مواجه بودند از جمله آمریکا، شوروی، فرانسه و انگلیس.

در آمریکا که تبعیض نژادی زیادی بود و انگلیس و فرانسه کشورهای مستعمره خود را داشتند و شوروی کمونیست هم که مسائل فراوان حقوق بشری داشت. لذا این کشورها منشور سازمان ملل را از نظر سیاسی به نفع خود نمی‌دیدند در حالی که برخی از کشورهای کوچک دارای نظام دمکراتیک به دنبال پی‌ریزی و انتظار چنین سیستمی بودند. به هر حال قدرت‌های فاتح جنگ تا حدودی مانع کار شدند. لیکن به نتیجه دلخواه خود نرسیده‌اند و آنچه که در منشور ملل متحد آمده مبنای فکری و قانونی توسعه حقوق بشر بین‌المللی قرار گرفت که بر همین مبنا سیستم‌های نسبتاً موثری ایجاد گردید. اکنون مقررات حقوق بشری در منشور نخستین سند بین‌المللی حقوق بشر محسوب می‌گردد.

تنظیم و تصویب اعلامیه در دهم دسامبر ۱۹۴۸ (۱۹ آذر ۱۳۲۷) با رای مثبت ۴۸ دولت از ۵۶ دولت طی قطعنامه ۲۱۷ به تصویب رسید. هیچ رای مخالفی نداشت ولی ۸ رای ممتنع داشت حقوق و آزادی‌های مندرج در اعلامیه حقوق بشر مشتمل بر حقوق مدنی- سیاسی- اقتصادی- اجتماعی و فرهنگی است. (اسداله زاده، ۱۳۹۶)

- میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی- اجتماعی و فرهنگی

مشتمل بر ۳۱ ماده و یک مقدمه در ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ طی قطعنامه (۲۲۰۰) به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسید. این میثاق نسبت به اعلامیه جهان حقوق بشر فهرست جامع و طولانی تری از حقوق اقتصادی اجتماعی فرهنگی را در بر دارد و حقوق زیر را به رسمیت می‌شناسد. حق کار، حق برخورداری از شرایط عادلانه و مناسب کار، حق تشکیل و الحاق اتحادیه کارگری و... حق تامین اجتماعی ... حمایت از خانواده. مثلاً در ماده ۷ میثاق، بند الف آمده ((مزد عادلانه و مساوی در برابر کار مساوی، بدون هیچ‌گونه تبعیض از هر نوع؛ مخصوصاً باید به زنان تضمین داده شود که شرایط کارشان پست تر از مردان نباشد و در مقابل کار مساوی مزد مساوی دریافت کنند)). دولت ایران میثاق مزبور را بدون قید شرط در سال ۱۳۵۴ به تصویب مجلس رسانید.

- میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی

مشتمل بر یک مقدمه و ۳۵ ماده است که طی قطعنامه شماره ۲۲۰۰ در ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ همراه با میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل

رسید که در این میثاق برای حقوق ماهوی شناخته شده برای افراد در مواد (۲۷ تا ۶) مواردی ذکر شده از جمله حق حیات و ممنوعیت سلب خودسرانه و... ممنوعیت شکنجه و مجازات و... مثلا در موارد (۱۵-۱۴-۱۰-۹) از حقوقی مانند رفتار انسانی با بازداشت شدگان، رعایت اصل برائت، حق درخواست عفو، حق اعتراض به بازداشت متهم و... یاد شده است.

دولت ایران در سال ۱۳۵۴ آن را پذیرفت و به تصویب مجلس رسانید.

- اولین پروتکل اختیاری میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی

که این پروتکل همزمان با تصویب میثاق مشتمل بر یک مقدمه و ۱۴ ماده به تصویب رسید. طرح تدوین این پروتکل، امکان دادن به افراد خصوصی برای طرح شکایت از دولت‌های متبوعشان دایر بر نقص حقوق آنها و رعایت نکردن حقوق شناخته شده در میثاق برای آنها، به کمیته حقوق بشر می‌باشد. مثلا طبق ماده ۲ هر فرد که مدعی است حقوق شناخته شده در میثاق در مورد او نقض شده و مراحل طرح شکایت و رسیدگی در مراجع داخلی را نیز پیموده و به نتیجه نرسیده است می‌تواند به کمیته حقوق بشر شکایت کند.

- دومین پروتکل اختیاری میثاق بین‌المللی حقوق مدنی سیاسی

که در ۱۵ دسامبر ۱۹۸۹ طی قطعنامه به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسید که در واقع مقررات الحاقی به میثاق محسوب می‌شود و هدف آن لغو مجازات اعدام است که شامل یک مقدمه و ۱۱ ماده است. در مقدمه آمده با اعتقاد به اینکه لغو مجازات اعدام به ارتقاء کرامت انسانی و پیشرفت توسعه حقوق بشر کمک می‌کند.

در ماده ۶ ضمن تأکید بر حق حیات برای هر فرد و لزوم حفظ آن می‌گوید: «در کشورهایی که هنوز مجازات اعدام لغو نشده صدور حکم مجازات اعدام فقط در مورد جدی‌ترین جنایات امکانپذیر است».

- کنوانسیون منع و مجازات کشتار دسته جمعی (ژنوساید)

این کنوانسیون در ۹ دسامبر ۱۹۴۸ طی قطعنامه ۲۶۰ مجمع عمومی سازمان ملل به تصویب رسید که مشتمل بر یک مقدمه و ۱۹ ماده می‌باشد. طبق ماده ۱ دولت‌های عضو کنوانسیون تأکید می‌کنند که ژنوساید چه در زمان صلح و چه در زمان جنگ یک جرم بین‌المللی محسوب و دولت‌های عضو تعهد می‌کنند که از آن جلوگیری نموده و مرتکبین را مجازات نمایند. دولت ایران در آذر ۱۳۲۸ امضاء و ۱۳۲۴ به تصویب مجلس رساند.

- کنوانسیون بین‌المللی محو هر نوع تبعیض نژادی

این کنوانسیون در ۲۱ دسامبر ۱۹۶۵ طی قطعنامه ۲۱۰۶ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسید. این کنوانسیون مشتمل بر یک مقدمه نسبتا طولانی و ۲۵ ماده است. اعلامیه محو

تبعیض نژادی به چهار نکته اشاره دارد سه مورد اساسی آن:

(۱) تبعیض نژادی، حقوق اساسی بشر را نقض می‌کند، روابط دوستانه بین افراد، همکاری ملت‌ها و صلح جهانی را به خطر می‌اندازد.

(۲) تبعیض نژادی نه تنها به کسانی که مورد تبعیض قرار گرفته‌اند صدمه می‌زند بلکه برای مرتکبین تبعیض نیز زیان‌آور و خطرناک است.

(۳) هدف اساسی و مبنای آن داشتن یک جامعه جهانی که از جدایی و تبعیض نژادی که عوامل دشمنی و تفرقه هستند آزاد باشد.

دولت جمهوری اسلامی ایران در اسفند ۱۳۴۵ این کنوانسیون را امضاء کرد. وظیفه مهم کمیته: رفع تبعیضات نژادی، رسیدگی به گزارشات تقدیمی از سوی دولت-هاست.

- کنوانسیون بین‌المللی منع و مجازات جرم نژادپرستی (آپارتاید)

این کنوانسیون در ۳۰ نوامبر ۱۹۷۳ طی قطعنامه شماره ۳۰۶۸ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسید که در واقع هدف آن تلاش مداوم و مستمر برای از بین بردن آپارتاید و سیاست نژادپرستی و جدایی نژادی که در کشور آفریقای جنوبی وجود داشت به تصویب رسید. این کنوانسیون مشتمل بر یک مقدمه و ۱۹ ماده است.

مثلاً طبق ماده ۵ فردی که متهم به ارتکاب جرم آپارتاید است در دادگاه صلاحیت‌دار دولت عضو یا دادگاه بین‌المللی کیفری که دولت‌های عضو صلاحیت آن را به رسمیت بشناسند محاکمه می‌شود.

دولت جمهوری اسلامی ایران در بهمن ماه ۱۳۶۳ به کنوانسیون ملحق شد.

- کنوانسیون ضد شکنجه و رفتار یا مجازات خشن، غیر انسانی و یا تحقیر کننده

این کنوانسیون در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ طی قطعنامه شماره ۳۹/۴۶ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید.

مثلاً در مواد ۱۴ و ۱۵ جبران خسارت قربانی شکنجه و بی اثر بودن اقتدار ناشی از شکنجه مطرح شده است. ماده ۳۱ مجازات بدنی، قرار دادن در سلول تاریک، هرگونه مجازات خشن و غیر انسانی به عنوان مجازات تخلفات انضباطی زندانیان کاملاً ممنوع است.

کمیته ضد شکنجه: طبق ماده ۱۷ بندهای ۲ و ۷ در جهت تامین اجرای مقررات کنوانسیون تشکیل شد. برخی از وظایف آن عبارت است از: ۱- بررسی گزارش ادواری دولت‌ها ۲- بررسی اطلاعات واصله در مورد وجود شکنجه ۳- رسیدگی به شکایات افراد علیه یک دولت عضو. دولت جمهوری اسلامی هنوز به این کنوانسیون نپیوسته است.

- کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان

در تاریخ ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹ طی قطعنامه ۳۴/۱۸۰ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسید که این اعلامیه مشتمل بر یک مقدمه و ۱۱ ماده می‌باشد.

هدف آن تساوی حقوق زن و مرد از هر جهت و رفع هرگونه تبعیض بین زن و مرد و زدودن هر نوع تبعیض علیه زنان، تساوی در زندگی سیاسی و عمومی در سطح ملی، تساوی در آموزش، تساوی در حقوق مربوط به تابعیت، تساوی در امنیت اقتصادی و مدنی و اهلیت قانونی، تساوی در حقوق خانواده است. مثلاً طبق ماده ۶: دولت‌های عضو باید به هر نوع اقدام مقتضی از جمله وضع قانون دست بزنند تا از هرگونه معامله بروی زنان و بهره‌برداری جنسی آنها جلوگیری نمایند. جمهوری اسلامی ایران هنوز به این کنوانسیون نپیوسته است.

* کمیته رفع تبعیض علیه زنان: طبق ماده ۱۷ کنوانسیون به منظور بررسی پیشرفت‌های حاصله از اجرای کنوانسیون تشکیل شد.

- کنوانسیون حق کودک

با توجه به اینکه کودکان رقم بزرگی از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند و به عنوان زنان و مردان آینده سرنوشت عالم را در دست خواهند داشت کنوانسیونی با این موضوع در ۲۰ نوامبر ۱۹۸۹ به اتفاق آرا به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسید که این کنوانسیون مشتمل بر یک مقدمه و ۵۴ ماده در سه بخش بیان شده است.

* کودک طبق ماده ۱ به معنای هر فردی است که زیر سن ۱۸ سال است. کمیته حقوق کودک طبق ماده ۴۴ به منظور گزارش در مورد اقدامات تحقق حقوق شناخته شده در کنوانسیون تشکیل گردید.

ماده ۶: هر کودکی حق ذاتی حیات و ... دارد. ماده ۷: هر کودکی از زمان تولد حق داشتن نام و تابعیت دارد.

ماده ۲۹: صلح و بردباری، دوستی بین تمام مردم، گروه‌های قومی مذهبی و ملی باید جزو برنامه‌های آموزش و پرورش باشد.

ماده ۳۱: کودک باید حق تفریح، بازی، آرامش و... داشته باشد.

ماده ۳۷: کودکان زیر ۱۵ سال نباید مستقیماً در مخاصمات شرکت نمایند و یا به استخدام نیروهای مسلح درآیند.

دولت جمهوری اسلامی در اول اسفند ۱۳۷۲ این کنوانسیون را به تصویب مجلس شورای اسلامی رساند.

- کنوانسیون بین‌المللی ضد آپارتاید در ورزش

این کنوانسیون به منظور جلوگیری از جداسازی و تبعیض نژادی در مسابقات ورزشی و انتخاب و اعزام برای شرکت در مسابقات جهانی و عمدتاً با هدف محکومیت و منزوی نمودن آفریقای جنوبی در تاریخ ۱۰ دسامبر ۱۹۸۵ طی قطعنامه شماره ۴۰/۶۴ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسید. که این کنوانسیون شامل یک مقدمه و ۲۲ ماده است.

ماده ۲ مقرر می‌دارد کشورهای عضو، شدیداً آپارتاید را محکوم می‌نمایند و متعهد می‌شوند که فوراً از راه‌های مناسب، سیاست امحاء رویه آپارتاید از ورزش در تمام اشکال آن دنبال نمایند. دولت جمهوری اسلامی کنوانسیون مزبور را در مهر ۱۳۶۶ به تصویب مجلس شورای اسلامی رساند.

۸- نقض حقوق بشر در کشورهای غربی

اشاره‌ای به نقض حقوق بشر در کشورهای غربی از جمله ایالات متحده آمریکا، فرانسه، انگلیس، آلمان و رژیم جعلی اسرائیل:

- برخی از جنایات آمریکا:

(۱) کشتار و نسل‌کشی ۱۰۰ میلیون سرخ‌پوست آمریکا

(۲) فاجعه هیروشیما در ناکازاکی

(۳) کشتار ۳ میلیون ویتنامی

(۴) کشتار مردم کره توسط آمریکا در سال ۱۹۵۰

(۵) جنایات آمریکا در افغانستان که بیش از ۲۰ هزار غیر نظامی کشته شد

(۶) همدستی با رژیم بعث عراق در جنگ علیه ایران در ۸ سال که باعث کشته و شهید

شدن هزاران نفر از جمله کودکان و زنان شد.

(۷) جنایات در عراق که باعث کشته شدن قریب ۵ هزار از نیروهای خودی و هزاران نفر از

نیروهای عراقی گردید.

- برخی از جنایات فرانسه:

(۱) جنگ الجزایر سال ۱۹۶۳ که باعث کشته شدن قریبانه ۱/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ نفر بی‌گناه شد.

(۲) جنایت در جهانی دوم ۱۲ سپتامبر ۱۹۴۴، ۵۰۰ اسیر آلمانی بی‌گناه را کشتند؛ ۱۴۰۰

آواره و تخریب ۶۰۰ ساختمان.

(۳) کمک به رژیم بعث عراق در جنگ علیه ایران با فروش تسلیحات به عراق ۱۳۲ فروند

هوایما و

(۴) عملیات هوایی نظامی و اطلاعات فرانسه علیه لیبی که باعث کشته شدن بسیاری از غیر

نظامی‌ها شد.

- برخی از جنایات انگلیس:

(۱) جنایات در افغانستان که باعث قتل و غارت تعدادی غیر نظامی، بخصوص در منطقه هلمند.

(۲) اشغال هند و قحطی‌های کشنده در دهه ۱۷۷۰ میلادی که باعث کشته شدن ۱۰ میلیون نفر در ایلات بنگال شد و ۵ میلیون در هند گردید.

(۳) جنگ بوئر در آفریقای جنوبی (۱۹۰۲ - ۱۹۰۰) هزاران انسان‌های بیگانه زندان و در عرض یک سال بیست درصد مردم بوئر بر اثر قحطی کشته شدند.

(۴) نسل‌کشی ایرانیان در سال‌های (۱۹۱۹ - ۱۹۱۷) که موجب کشته شدن چهل درصد از مردم ایران شد. (تقریباً ۹ تا ۱۰ میلیون نفر).

(۵) بمباران شیمیایی عراق در سال ۲۰۰۳ به دستور چرچیل که باعث کشته شدن هزاران نفر از مردم عراق به خصوص شهر سلیمانیه گردید.

(۶) قتل عام مردم آلمان در جنگ جهانی دوم ۳ سپتامبر ۱۹۳۹ که باعث کشته شدن هزاران نفر شد.

(۷) کشته شدن مردم ایرلند شمالی بین سال‌های ۱۹۷۰ الی ۲۰۰۰ باعث کشته شدن هزاران نفر شد.

(۸) کشتار مردم بی‌گناه یمن سال (۱۹۶۳ الی ۱۹۶۶)

- برخی از جنایات آمریکا در ایران:

* کودتای ۲۸ مرداد

* راه اندازی ساواک و همکاری شدید با آنها که منجر به شهادت هزاران نفر گردید.

* حمایت از جنایات شاه در کشته نمودن مردم بیگناه (قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲).

۱- حمله نظامی به طیس ۵ (اردیبهشت سال ۵۹).

۲- بعد از ناکامی حمله طیس کودتای نوژه (در تیر ماه ۵۹).

۳- تشویق، تحریک و حمایت از کشورعراق علیه ایران و جنگ تحمیلی هشت ساله که منجر به کشته و شهید شدن هزاران نفر بی‌گناه شد.

۴- سرنگونی هواپیمای مسافربری ایران (تیر ۶۷).

۵- تحریم‌هایی که از سابق تا کنون ادامه دارند (میر چراغ خانی، ۱۳۹۵).

- جنایات آمریکا در آفریقا

(۱) کنترل منافع آبی، نفتی و پایگاه نظامی آفریقا

۲) مبارزه با موج اسلام خواهی

۳) تسلط بر بازار آفریقا

حضور نظامی آمریکا در افغانستان، یمن، عراق، عربستان، پاکستان، و تحریک مردم منطقه علیه نظام حکومت خود که باعث ایجاد تفرقه جنگ و خونریزی‌های شدیدی شد. (بیات، ۱۳۸۸)

- جنایات اسرائیل با حمایت آمریکای غاصب

* اشغال لبنان (سال ۱۳۹۸)

* ورود به اردوگاه صبرا و شکیلا که باعث کشته شدن هزاران نفر شد (۳۰۰ تا ۳۰۰۰ نفر که جسد آنها را سوختند).
* جنایات شدید در غزه (تهاجم ۲۲ روزه) از جمله تخریب اموال حمله به مناطق و از بین بردن هزاران آدم بی‌گناه.

۹- اعلامیه‌های جهانی شورای اروپا و اجلاس کویت

- اولین اعلامیه اسلامی جهانی شورای اسلامی اروپا

این اعلامیه در سال ۱۹۸۰ از سوی شورای اسلامی اروپا با مرکزیت لندن صادر شد که دیدگاه‌های جهانی اسلام را بیان می‌کند و تحت هفت عنوان ذکر شده است. در مقدمه از انسان به عنوان اشرف مخلوقات و جانشین خدا بر روی زمین و دادن شعور و ادراک و اختیار به او در انتخاب راه صلاح و سعادت اشاره شده است. در این مقدمه نتیجه‌گیری شده است که اسلام به انسان حقوق معین و آزادی‌هایی اعطا کرده است از قبیل: آزادی مذهب، آزادی بیان، آزادی رفت و آمد و جابه جایی، آزادی فکر و... حق مالکیت مشروع همچنین بحران تمدن معاصر، چهارچوب نظام اسلامی همبستگی اسلامی و وحدت اسلامی و آزادسازی سرزمین‌های اسلامی آمده است. (اسداله زاده، ۱۳۹۶)

- دومین اعلامیه حقوق بشر شورای اسلامی اروپا

این اعلامیه در زمینه دیدگاه‌های جهانی اسلام در مورد حقوق بشر در سال ۱۹۸۱ در لندن صادر شد و در ۱۹ سپتامبر ۱۹۸۱ در اجلاس یونسکو در پاریس رسماً اعلام شد. این اعلامیه یک مقدمه و ۱۲ بند دارد که دیدگاه‌های اسلام را در مورد حقوق بشر تبیین و جامعه ایده آل اسلامی را ترسیم می‌کند. مثلاً می‌گوید: (جامعه اسلامی جامعه‌ای است که زمامداران و افراد ملت در برابر قانون اسلامی مساوی‌اند و هیچ‌گونه امتیاز و تبعیضی در این باب بین آنها وجود ندارد) بند ۵ مقدمه این اعلامیه حدود ۲۳ ماده حقوق شناخته شده برای بشر از دیدگاه اسلام را به شرح ذیل بیان می‌دارد:

ماده ۱- حق حیات؛ ماده ۲- حق آزادی؛ ماده ۳- حق تساوی؛ ماده ۴- حق عدالت؛ ماده ۱۰- حقوق اقلیت‌ها؛ ماده ۱۳- حق آزادی ماده ۱۵- حق اقتصادی ماده ۲۱- حق آموزش و... در ماده ۱۰ به موضوع حقوق اقلیت‌ها اشاره کرده است در بند اول به آیه شریفه (لا اکراه فی الدین) ۲۵۶/بقره. یعنی عدم اجبار و اکراه در دین استناد کرده است و آن را مبنای حقوق اقلیت‌ها قرار داده است و در بند دوم به آیات سوره مائده در خصوص اینکه می‌توان در دعاوی مربوط به یهود و نصاری طبق مقررات مذهبی خودشان و یا در صورت تمایل آنها طبق مقررات اسلامی و بر مبنای انصاف و عدالت حکم کرد. (مائده/ ۴۳ و ۴۲)

- اعلامیه اجلاس کویت

در تاریخ ۹ تا ۱۴ دسامبر سال ۱۹۸۰ کنفرانسی از سوی کمیسیون بین‌المللی حقوقدانان دانشگاه کویت و اتحادیه وکلای عرب در مورد حقوق بشر در کویت ترتیب یافت که در دو بخش آمده است. بخش اول دیدگاه‌ها و برداشت‌های اجلاس کویت از سوی موازین اسلامی در زمینه‌های مختلف را بیان می‌کند و در بخش دوم تحت عنوان توصیه‌های اجلاس کویت در زمینه‌های حقوق بشر را به دولت‌های اسلامی بیان می‌کند. این توصیه‌ها در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، حقوق اقلیت، حقوق مدنی و سیاسی و... می‌باشد. (سودمندی، ۱۳۹۸)

در بند یک گفته شده که نباید حقوق اسلام را بر مبنای رژیم‌های سیاسی حاکم در طول تاریخ اسلام سنجید و بر آن مبنا قضاوت کرد، بلکه باید با مراجعه به منابع اصیل اسلامی که عبارتند از: کتاب، سنت، اجماع فقها و قیاس به حقوق اسلامی پی برد و آن را به‌درستی شناخت.

در سه چهار بند اول کلیاتی در باب جامعیت اسلام و مقررات اسلامی بیان می‌کند.

در بند ۲ آمده که: اسلام جامعه بشری را همچون یک خانواده می‌بیند.

در بند ۳ به این نکته اشاره شده که: هر چند قرآن و سنت، اصول اساسی حقوق بشر را در بر دارند ولی به جامعه اسلامی اجازه داده شده که بر حسب اوضاع و احوال و مقتضیات جامعه و مبنای اصول مقرر در کتاب و سنت حقوق بشر را تحقق بخشد.

طبق بند: اسلام حقوق و تعهدات غیر مسلمین، اقلیت‌ها و خارجیان را بر مبنای عدالت، تحمل و بردباری، و احترام متقابل تضمین می‌نماید.

در بند ۵ می‌گوید: اسلام در به رسمیت شناختن حق استقلال زن در موارد دارایی و اموال خود، حق تقدم دارد. اسلام علی‌رغم عقیده مردم زمان ظهور خود، استقلال زن را همچون مرد در تملک و تصرف و تمتع از اموالش به رسمیت شناخته و حق مالکیت را از جمله حقوقی می‌داند که مشترک بین زن و مرد می‌باشد و همانگونه که مرد اختیار اموال و داراییهای خودش را دارد، اختیار اموال و دارایی‌های زن هم به عهده خود اوست و هیچ کس نمی‌تواند در تصرف

و تملک دارایی‌های زن دخالت نماید.

در بند ۷ آمده: زن در به رسمیت شناختن و اعطای حق آزادی عقیده و بیان، اسلام پیشقدم است. (اسداله زاده، ۱۳۹۶)

نتیجه‌گیری

اقلیت از واژه‌های تعریف نشده مبهم و بحث برانگیز در حقوق بین‌الملل است. ابهام‌ها و چالش‌های زیادی در ارائه تعریف از اقلیت وجود دارد این ابهام به گونه‌ای است که به رغم پیشرفت‌های بین‌المللی در زمینه حمایت از اقلیت‌ها و برقراری نظام حقوقی خاص برای آنها هنوز تعریف جامع و مانعی از کلمه اقلیت که در هر بستر علمی قابل استناد باشد ارائه نشده است. حقوق اقلیت‌ها یکی از موضوعات مهم جامعه بین‌الملل و از دغدغه‌های مهم در گفتمان عدالت حقوقی است. پس از جنگ جهانی اول و دوم تغییرات عمده‌ای در مرز برخی کشورها رخ داد که باعث اختلاف نژادی مذهبی و قومی ملت‌ها شد که این امر اهمیت موضوع حقوق اقلیت‌ها را بیش از پیش آشکار ساخت.

حقوق بشر اساسی‌ترین و ابتدایی‌ترین حقوقی است که هر فرد به طور ذاتی، فطری به صرف انسان بودن از آن بهره‌مند می‌شود. حقوق بشر متعلق به ملت و فرهنگ و کشور خاصی نیست و هدف آن دفاع از کرامت انسانی، آزادی، برابری و زندگی مسالمت آمیز است. نخستین اعلامیه جهانی حقوق بشر در زمان ایران باستان یعنی زمان کوروش کبیر بر می‌گردد که کوروش دستور آزاد سازی بردگان و اسیران و بازگرداندن آنها را به کشورهايشان داد. همچنین علی رغم تدوین حق آزادی دین و عقیده در مهمترین اسناد حقوق بشری جهان و منطقه‌ای، همچون میثاق حقوق مدنی و سیاسی، اروپایی حقوق بشر، کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر و منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها، تعریف و گستره این حق همچنان محل مناقشه و اختلاف است. از جمله این اختلاف‌ها می‌توان به حق تبلیغ دینی، حق تغییر دین و محدوده حق آزادی دین کودکان اشاره کرد. با وجود این و علی رغم تداوم اختلاف نظر در موضوعات فوق، می‌توان گفت که اسناد بین‌المللی حقوق بشر اعم از اسناد جهانی و منطقه‌ای، تعریف شفاف و جامع و مانعی از حق آزادی دین ارائه داده‌اند و موارد احتمالی ابهام این اسناد نیز توسط آرای نهادهای قضایی و نظارتی بین‌المللی رفع ابهام شده است. به عنوان مثال با استناد به میثاق حقوق مدنی و سیاسی با توجه به نظرهای کمیته حقوق بشر و آرای دیوان اروپایی حقوق بشر می‌توان گفت که افراد حق تغییر دین دارند در واقع ممکن است اقلیت‌ها پس از قرارداد ذمه و مراوده با مسلمین، دین اسلام را اختیار نکنند لکن از آنجا که هدف اصلی ادیان الهی اصلاح اخلاقیات بشر و ارتقای سطح معنوی آنها و القای اعتقادات صحیح به آنان است. در نهایت می‌توان گفت آزادی دین با حق تبلیغ فرق دارد.

- قرآن کریم

منابع فارسی

کتاب

- آشوری، محمد (۱۳۸۳)، حقوق بشر و مفاهیم مساوات و انصاف و عدالت، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران
- پوره‌اشمی، سیدعباس (۱۳۸۰)، مجموعه قوانین و مقررات حقوق بین‌الملل، انتشارات مجد
- ترنبری، پاتریک (۱۳۹۷)، حقوق بین‌الملل و حقوق اقلیت‌ها، ترجمه آزیتا شمشادی، چاپ ۱
- تیمورپور، سیامک (۱۳۹۷)، نقش سازمان‌های بین‌المللی در حقوق و روابط بین‌الملل، انتشارات ماهواره
- سلیمی، عبدالکریم (۱۳۹۵)، حقوق بشر، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشرالمصطفی
- شریعتی، روح‌الله (۱۳۸۵)، اقلیت‌های دینی، نشر کانون اندیشه جوان تهران
- عزیزی، ستار (۱۳۹۶)، حمایت از اقلیت‌ها در حقوق بین‌الملل، موسسه مطالعات و پژوهش حقوق شهر دانش
- مهرپرور، حسین (۱۳۸۶)، حقوق بشر در اسناد بین‌الملل و موضوع جمهوری اسلامی ایران، انتشارات اطلاعات
- (۱۳۸۷)، نظام بین‌المللی حقوق بشر، انتشارات اطلاعات

مقالات

- اردلان، اسعد (۱۳۸۶)، حمایت از حقوق اقلیت‌ها در اسناد و رژیم‌های بین‌المللی، مجله حقوق عمومی، شماره ۳، پاییز
- اسداله زاده، علی (۱۳۹۶)، نقد مفهوم جهان‌شمولی حقوق بشر با تکیه بر اعلامیه جهانی حقوق بشر، مجله اندیشه‌های حقوق عمومی، سال ششم، شماره ۲ (پیاپی ۱۱)، بهار و تابستان
- بیات، حمید (۱۳۸۸)، راهبرد جدید آمریکا در آفریقا، مجله مطالعات آفریقا، شماره ۱۹
- حسینی، ابراهیم (۱۳۸۱)، بررسی تطبیقی حمایت از حقوق بشر، نشریه معرفت، شماره ۲۴
- سیف‌الدینی، سالار (۱۳۹۳)، نگرش بر مفهوم اقلیت سالار، مجله اجتماعی
- عبدالمجید سودمندی، حسین شریفی طرازکوهی (۱۳۹۸)، گستره حق آزادی دین و عقیده در اسناد بین‌المللی حقوق بشر، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، سال شانزدهم، شماره ۴، زمستان
- میر چراغ‌خانی، حسین (۱۳۹۵)، جنایات آمریکا علیه ایران، مجله پیام، شماره ۱۲۰